

خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و راهبرد جمهوری اسلامی ایران

سامان بیات^۱

چکیده

پرونده هسته‌ای یکی از مهم‌ترین بحران‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظام بین‌الملل تا به امروز بوده است و بواسطه فشارهای نظام بین‌الملل برای کنترل و محدود کردن سیاست‌ها و اهداف هسته‌ای ایران موجب پیامدهای متعدد سیاسی، امنیتی و اقتصادی گردیده است. درنهایت در دولت یازدهم در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) حل و فصل گردید اما در مدتی کوتاه ایالات متحده آمریکا در اقدامی غیرسازنده و یکجانبه از برنامه جامع اقدام مشترک خارج و سیاست فشار حداکثری را اتخاذ نمود در این راستا مقاله حاضر تلاش می‌کند با روشی توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به این سوال پاسخ دهد که جمهوری اسلامی ایران پس از خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم‌های مجدد چه راهبردی اتخاذ نموده است؟ فرضیه حاضر بر این قرار است که الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مدل تصمیم‌گیری فزاینده و چندجانبه‌گرایی قابل تبیین است. بر این مبنا، یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران با صرف‌نظر از اتخاذ سیاست تقابل‌گرایانه در جهت خروج از برجام تلاش نمود به منظور تأمین منافع حاصل و خنثی‌سازی اقدامات تحریمی آمریکا و انزوای مجدد در نظام بین‌الملل همکاری با اعضای باقی مانده را ادامه داده و روابط منطقه‌ای و چندجانبه خود را با قدرت‌های نوظهور گسترش دهد. در راستای این کنش‌گری فعال، در رویکردی بازدارنده و مقاومت فعال، اقدام به کاهش تعهدات برجامی خود به منظور بازگشت آمریکا به توافق و جلوگیری از نقض تعهدات و پایبندی سایر اعضای باقی مانده در پیش گرفت.

واژگان کلیدی: برجام، راهبرد، ایالات متحده، ایران، چندجانبه‌گرایی، مدل تصمیم فزاینده

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) saman.bayt72@gmail.com

مقدمه

بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم رویکرد و نگاه به پرونده هسته‌ای ایران تغییر کرد و اصل مذاکره و رویکرد دیپلماسی و تعامل سازنده اتخاذ گردید بگونه‌ای که از طریق تنش‌زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی شدن، بهبود چهره و پرستیژ ایران، دیپلماسی فعال و روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، زمینه را برای حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایجاد کرد. اولین گام این امر را می‌توان از انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه مشاهده نمود آنچه که مهم است دولت همواره از رویکردهای چندجانبه-گرایانه و بین‌الملل‌گرایی برای حل‌وفصل پرونده هسته‌ای دفاع می‌نمود. درنهایت این رویکرد منجر به حل‌وفصل پرونده هسته‌ای گردید در این راستا سال ۲۰۱۵ را می‌توان نقطه عطفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست از این‌رو که بعد چالش‌ها و مناقشات چندین ساله پرونده هسته‌ای ایران در جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی بواسطه مذاکرات طولانی مدت منجر به توافق‌نامه سیاسی و بین‌المللی با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و کشورهای موسوم به ۵+۱ (اروپا - آمریکا - روسیه - چین) گردید. توافقی که بعنوان جامع‌ترین توافق عدم اشاعه و کنترل تسلیحات در طول تاریخ مطرح گردیده بود که در جهت اهداف معاهدات کنترل تسلیحات و عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، برطبق مبانی حقوق بین‌الملل و براساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت عمل می‌نمود. از این‌رو در دی ۱۳۹۴ بیانیه اجرایی شدن برجام و لغو همه تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا و همه قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، اعلام شد و موجب آن تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران بصورت گام‌به‌گام رفع گردید اما بعد از ۳ سال اجرای مفاد توافق‌نامه برجام یکی از اعضای اصلی و مهم یعنی ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ خواستار تجدیدنظر در برجام و محدودیت‌های بیشتر بر صنایع موشکی ایران بود و درنهایت با استدلال عدم پایبندی ایران به مفاد توافق صورت گرفته در سال ۲۰۱۸ بصورت یکجانبه از توافق‌نامه خارج گردید. در این راستا پژوهش حاضر تلاش می‌کند با روشی توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به این سوال پاسخ دهد که جمهوری اسلامی ایران پس از خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم‌های مجدد چه راهبردی اتخاذ نموده است؟ فرضیه پژوهش حاضر بر این قرار است که الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مدل تصمیم‌گیری فزاینده و چندجانبه‌گرایی قابل تبیین است بر این مبنا ایران با صرف‌نظر از اتخاذ سیاست تقابل‌گرایانه در جهت خروج از برجام تلاش نمود به منظور تأمین منافع حاصل و خنثی‌سازی اقدامات تحریمی آمریکا و انزوای مجدد در نظام بین‌الملل همکاری با اعضای باقی مانده را ادامه داده و روابط منطقه‌ای و چندجانبه خود را با قدرت‌های نوظهور گسترش دهد و در راستای این کنش‌گری فعال در رویکردی بازدارنده و مقاومت فعال، اقدام به کاهش تعهدات برجامی خود به منظور بازگشت آمریکا به توافق و جلوگیری از نقض تعهدات و پایبندی سایر اعضای باقی مانده در پیش گرفت.

۱- مفاهیم نظری

۱-۱- چندجانبه‌گرایی

چندجانبه‌گرایی یک مفهوم دیپلماتیک رایج در روابط بین کشورها در عرصه بین‌الملل است که برای نخستین بار در قرن بیستم بعنوان یک الگوی دیپلماسی برای حل و فصل اختلافات و یا دستیابی به هدف خاص و یا برخورد با پدیده‌ها و مسائل بین‌الملل با یکدیگر همکاری دارند. مفهوم چندجانبه‌گرایی در کنار سایر مفاهیم و رویکردهای دیپلماسی یعنی یکجانبه‌گرایی و دوجانبه‌گرایی ظاهر شده است و بر حرکت‌های دسته‌جمعی تأکید دارد تا رویکردها و کنش‌های یکجانبه‌وار و واحدهای سیاسی از این‌رو در ساده‌ترین مفهوم، این اصطلاح به معنی اقدام گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر یا اقدامی میان آن‌هاست (wiseman, 2011: 13). در فرهنگ دیپلماسی، چندجانبه‌گرایی را وسیله روابط در میان سه یا بیشتر از سه کشور در روابط دائمی یا موقت بین‌المللی می‌دانند همچنین معتقدند که مطالعات دیپلماتیک اهمیت فزاینده‌ای در شکل دوجانبه برای دستیابی به دیپلماسی چندجانبه یافته است (wiseman, 2011: 7). چندجانبه‌گرایی را یک شکل نهادی عام زندگی بین‌المللی مدرن است که کشورها تنها وقتی به نمایش می‌گذارند که این ایستارها و رفتارشان واجد سه اصل کلیدی تقسیم‌ناپذیری، اصول تعمیم‌یافته و عمل متقابل غیرمتمرکز می‌باشند (همت و دیلمقانی، ۱۳۹۸: ۹۱)، و شکل هنجارها و نرم‌های پذیرفته شده کلی بجای روابط مورد به مورد و براساس اولویت‌های فردی، ضرورت‌های موقعیتی یا زمینه‌های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی، مذهب و غیره است. این اصل عنصر اساسی تطبیق و هماهنگی امور بین کشورهاست.

۳۱

همچنین از نظر تحلیلی، ترتیبات چندجانبه‌گرایی که کشورها به آنها مبادرت می‌ورزند را می‌توان براساس دو بعد دسته‌بندی کرد: بعد اول به ماهیت تعهد و الزامی که اعضاء تقبل می‌کنند، اشاره دارد. که از عمیق تا سطحی در نوسان است. بعد دوم به دامنه و گستره عضویت اشاره می‌کند و بگونه‌ای توصیف می‌شود که از محدود تا گسترده می‌باشد. نخستین بعد یعنی تعهد ویژگی اساسی و ضروری چندجانبه‌گرایی در یک بافت امنیتی میزانی از تجلی و نمود امنیت دسته‌جمعی و یا دفاع دسته‌جمعی است (padoa, 2010: 2).

۱-۲- مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

یکی از سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل بررسی رفتار دولت‌ها برپایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاستگذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. روش تصمیم‌گیری یکی از چهارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین‌الملل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و ارزیابی رفتار دولت‌ها در چهارچوب سیستم تصمیم‌گیری آنها می‌تواند به تجزیه تحلیل عملکرد نظام بین‌الملل کمک کند از این‌رو مدل‌های تصمیم‌گیری بعنوان

چارچوب‌های مفهومی تحلیلی، با کشف و توضیح متغیرهای متنوع و مرتبط تعیین کننده در تصمیم‌گیری، عوامل لازم و کافی را برای تجزیه و تحلیل رفتار سیاست خارجی در اختیار قرار می‌دهد. مدل‌های تصمیم‌گیری یک سطح خرد است که محدوده‌ای اخص از کل سیستم سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی در عین حال با سطح تحلیل کلان پیوند خورده است؛ زیرا بر این فرض مبتنی است که واحد تصمیم‌گیرنده، در یک محیط کل، شامل سیستم سیاسی داخلی و نظام بین‌الملل، با آگاهی از جایگاه خود در سیستم کل و تصور خاصی از موقعیت تصمیم‌گیری، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۲۷۱) در این راستا مدل‌هایی ارائه شده که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- در مدل بینش فوق‌العاده یا فراعقلانی در روانشناسی سیاسی استفاده می‌شود زیرا بر نقش توانایی‌ها و استعداد‌های افراد تأکید می‌کند بطوریکه نقش باقی عوامل تحت‌الشعاع این عامل قرار می‌گیرد. در این مدل سیاست‌گذارانی که دارای بینش فوق‌العاده‌اند مهم تلقی می‌شوند مانند شخصیت‌های بزرگ و تاریخ‌ساز تصمیم‌گیری براساس شهود، اشراق و الهام، توانایی‌ها و ویژگی‌های فوق‌العاده ذهنی تصمیم‌گیرنده و ابتکارات و نوآوری و خلاقیت انجام می‌پذیرد و بدون طی مراحل عقلایی تصمیم‌گیری، تصمیم‌های ارزشمندی اتخاذ می‌گردد (Dror, 1996).

۲- مدل مختلط: در راستای رفع نارسایی‌های مدل عقلانی و بینش فوق‌العاده است این مدل دیدگاه‌های خرد و کلان مورد توجه قرار می‌دهد و تصمیم‌های کلان و اساسی را از تصمیم‌های خرد تفکیک می‌کند تا تصمیم‌گیرنده تصمیم‌های اساسی را با تمرکز بر بدیل‌های عمده و مبتنی بر مطلوبیت خویش برگزیند.

۳- در مدل رضایت‌بخش، تصمیم‌ها به دنبال حداکثر منافع و دستاوردها نمی‌باشد و مبتنی بر واقعیت‌های محیط داخلی و بین‌المللی است. این مدل تصمیم‌گیر را به سمت انتخاب تصمیمی که علاوه بر اینکه به سمت هدف اصلی هدایت می‌کند بلکه هم‌زمان برخی از نیازهای جنبی او را نیز تأمین می‌کند، از تلاش برای یافتن بهترین راه خودداری می‌کند و به تصمیم قابل‌پذیرش و رضایت‌بخش بسنده می‌کند (Rosenau, 1984: 184).

۴- مدل عقلایی یا تصمیم‌گیرندگان خردمند: بیشترین رویکرد تجزیه و تحلیل سیاست خارجی می‌باشد فرض این رویکرد بر این امر استوار است که تصمیم‌گیرندگان در تصمیم‌گیری سیاست خارجی رویکردی منطقی دارند و می‌توانند با اتخاذ تصمیمات آگاهانه و حساب و عقلانی حداکثر ارزش‌ها و منافع را تأمین کنند. در مدل خردمند تصمیم‌گیرندگان باید اطلاعات فراوانی در مورد ارزش‌ها، منابع، اهداف و اولویت‌های هدف‌های گوناگون داشته باشند. در این مدل چهار مرحله اصلی در فرآیند تصمیم‌گیری وجود دارد: ۱- شناسایی مشکل؛ ۲- تعیین نتایج مطلوب؛ ۳- ارزیابی پیامدهای احتمالی سیاست‌های انتخابی؛ ۴-

منطقی‌ترین تصمیم برای به حداکثر رساندن منافع و ارزش‌ها براساس تجزیه تحلیل‌های سایمون تصمیم‌های عقلانی نتیجه منطقی دو مقوله ارزش و واقعیت است (Simon, 1960).

۵- مدل افزایشی تدریجی یا فزاینده: یک مدل محافظه‌کارانه است و سیاستگذاران به دنبال ایجاد تغییرات اساسی و بنیادی در تصمیمات قبلی نیستند از نظر تصمیم‌گیران هرگونه تغییر اساسی و ناگهانی در روند تصمیم‌های قبلی نظام را از لحاظ رسیدن به اهداف سیاست خارجی با چالش و بحران مواجه می‌شود. براساس این مدل در ابتدا فرایند تصمیم‌گیری ممکن است میزان عقلایی بودن تصمیمات اتخاذ شده مطلوب نباشد اما در ادامه سیاستگذاران به اطلاعات جدیدی کسب می‌کنند بر میزان عقلایی بودن تصمیم آنها افزوده می‌شود (Lindblom, 1968: 93-94). مدل فزاینده زمانی مورد استفاده سیاستگذاران قرار می‌گیرد که امکانات و منابع محدود باشد و آنها به دنبال عدم ایجاد دگرگونی بنیادی در سیاست خارجی و سیاست حفظ وضع موجود می‌باشند.

۲- رویکرد ایران در پرونده هسته‌ای (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

تغییر محسوس در رویکرد جمهوری اسلامی ایران در حل و فصل پرونده هسته‌ای را باید در روی کار آمدن دولت یازدهم و دوازدهم و بطور کلی رویکرد سیاست خارجی آن مشاهده نمود از همان ابتدای دولت یازدهم اقدامات و شتاب را دستور کار خود نسبت به گذشته قرارداد بگونه‌ای که اولویت دستگاه سیاست خارجی دولت در حل و فصل پرونده هسته‌ای قرار گرفت بر این مبنا ابتدا نگاهی داریم به اصول سیاست خارجی دولت حسن روحانی. سیاست خارجی دولت روحانی از همان ابتدای رقابت‌ها و شعارهای انتخاباتی و در نهایت بعد از پیروزی در انتخابات سیاست خارجی تعامل‌گرا و توسعه‌گرا در نظر گرفت که محوریت این سیاست خارجی بر مبنای رویکردهای توسعه‌گرا قرار داشت:

- ۱- بهبود چهره و تصویر کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی؛ ۲- دوری از درگیری‌های تنش‌زا؛ ۳- همزیستی مسالمت‌آمیز و اعتمادسازی در عرصه بین‌المللی؛ ۴- خروج از محوریت امنیتی شدن؛ ۵- مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا؛ ۶- بهبود روابط با اروپا؛ ۷- بهبود روابط با کشورهای همسایه؛ ۸- متوازن نمودن روابط با چین و روسیه؛ ۹- در نهایت در موضوع هسته‌ای قرار دادن مسئله هسته‌ای در کنار منافع دیگر کشور مانند اقتصادی نه بر فراز منافع و موضوعات دیگر (رضایی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

همچنین ظرفیت اصلاح‌پذیری در دیپلماسی، قدرت بخشیدن به دستگاه وزارت خارجه با سپردن پرونده هسته‌ای به آن، ائتلاف‌سازی با قدرت‌های چین و مسکو و در مقاطعی اتحادیه اروپا در برابر آمریکا، ارائه ترسیم «باخت-باخت» از تحریم، ارائه تضمین‌های عینی متقابل در جهت افزایش شفاف‌سازی، «تنش‌زدایی»

در خاورمیانه و تلاش برای غیرامنیتی کردن منافع ایران مشاهده نمود (ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). از این‌رو این چهارچوب نسبت به پرونده هسته‌ای نیز اعمال گردید دولت روحانی در بحران پرونده هسته‌ای تلاش برای خروج ایران از شورای امنیت به‌خصوص فصل هفتم و ششم منشور در کنار تکمیل رشد و توسعه فناوری هسته‌ای در کشور را دنبال می‌کرد. به عقیده رئیس‌جمهور هم برای ایران و هم برای دشمنان و کشورهای غربی تنها روش گفتگو و مذاکره است. از این‌رو بعد از چندین دوره مذاکرات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی منجر به شکل‌گیری یک توافق بین‌المللی گردید بی‌تردید برنامه جامع اقدام مشترک مهم‌ترین پیشرفت کلیدی را در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ رقم زد. این توافق‌نامه یک قرارداد تاریخی است که اطمینان حاصل می‌کند برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز باقی مانده و روابط این کشور را بویژه با آمریکا و اتحادیه اروپا بهبود می‌بخشد (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۸: ۱۵). با این حال مسیر همکاری کشورهای امضا کننده برجام از همان آغاز، مسیری هموار نبود. عدم اجرای تعهدات کشورهای طرف برجام و بویژه ایالات متحده آمریکا در مراحل ابتدایی اجرایی و همچنین اقدامات خلاف تعهدات امضا شده و عدم حسن نیت در یک توافق بین‌المللی مانند اقداماتی نظیر تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ضد ایرانی توسط مجلس نمایندگان آمریکا و مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۱۵ (۱۷ آذر ۱۳۹۴) در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما آغاز گردید و در نهایت با پیروزی دونالد ترامپ از حزب جمهوری‌خواه آمریکا توافق‌نامه برجام وارد مرحله جدیدی گردید که موجب فسخ یکطرفه توافق‌نامه گردید (دلخوش، ۱۳۹۶: ۵۶).

۳۴

۳- ایالات متحده آمریکا از توافق تا خروج از برجام

پس از انقلاب اسلامی ایران و بحران گروگان‌گیری، تهدیدات نظامی، انزوای دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی سه سیاست اصلی آمریکا در قبال ایران بود؛ اما در دوره‌های مختلف شدت و ضعف آن متفاوت بوده است و با شروع بحران هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ سه سیاست یاد شده بیشتر تقویت شدن از سوی دیگر در سطح جهانی و منطقه‌ای توسط ایالات متحده اقدامات فزاینده‌ای را در راستای منزوی کردن ایران بواسطه تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه علیه ایران انجام داده است و همواره به اقدامات نظامی بعنوان آخرین راه‌حل در پرونده هسته‌ای تأکید می‌کرد و جمهوری خواهان بویژه جورج بوش بر جنبه نظامی و اقدامات سخت را بیشتر مورد توجه قرار می‌دادند. با روی کار آمدن باراک اوباما از حزب جمهوری‌خواه می‌توان تغییرهای قابل محسوسی در سیاست‌های بین‌المللی آمریکا مشاهده نمود. یکی از این تأثیرات را می‌توان در مواجهه با ایران و پرونده هسته‌ای مشاهده نمود تلاش اوباما برخلاف جمهوری خواهان که رویکردهای تهدیدی و نظامی همراه با پیش‌شرط را اتخاذ کرده بودند سیاستی هوشمند را در پیش گرفت که مبتنی بر تعامل با استفاده از مذاکره و دیپلماسی و میانجیگری و فشار مبتنی بر تحریم‌های اقتصادی و فشار از طریق سازمان‌های بین‌الملل

مانندهای قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل مشاهده نمود. اوباما در اولین اقدامات چندجانبه خود در قبال جمهوری اسلامی ایران شروع به تقویت روابط خود در سطح جهانی و هم‌پیمانان خود بویژه انگلیس، فرانسه، آلمان نمود و از سوی دیگر برای جلب حمایت رقبای خود مانند چین و بویژه روسیه از طریق کاهش سیاست گسترش سیستم دفاعی موشکی در اروپای مرکزی و اروپای شرقی برای جلب حمایت و همراهی آنها برای مقابله با توسعه انرژی اتمی ایران و همسویی در فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی ایران برای توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم تلاش می‌نمود، همچنین در سطح منطقه‌ای با گسترش روابط و نزدیکی و همکاری با هم‌پیمانان خود از جمله کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مصر، اردن به حلقه انزوای ایران در منطقه خاورمیانه تنگ‌تر کند.

در نهایت فرایندهای مذاکره و گفتگوهای چندجانبه ایران و کشورهای ۵+۱ منجر توافق بین‌المللی گردید در بازه زمانی ریاست جمهوری باراک اوباما (۲۰۰۹-۲۰۱۷) اجرای سند برجام با فراز و نشیب‌های فراوان مواجه بود و روند اجرایی تعهدات طرفین در سند جامع اقدام مشترک از سرعت لازم و پیشرفت مورد رضایت طرفین به‌خصوص طرف ایرانی برخوردار نبود با این وجود ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد برخی تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای لغو نموده از جمله تحریم‌های ثانویه علیه بخش نفت که به ایران اجازه داده شد صادرات نفت خود را تقریباً به میزان قبل از تحریم‌ها برساند همچنین حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ۳۵ دارایی‌های مسدود شده ایران را آزاد کردند که در همان ابتدا تأثیرات مثبت در اقتصاد جمهوری اسلامی ایجاد کرد (Kali Robinson, 2021). با این وجود روند اجرایی کامل تعهدات طرفین برجام دچار فراز و نشیب‌های فراوانی گشت بگونه‌ای پس توافق نیز همچنان اختلافات و سرعت پایین اجرای بندهای سند بین‌المللی همواره مورد انتقاد طرف ایرانی بوده است و در طول دوران ریاست جمهوری باراک اوباما جمهوری اسلامی ایران معتقد بود که برخی اقدامات ایالات متحده آمریکا مخالف با روح توافق‌نامه و نقض آن می‌باشد در سلسله گزارش‌های سه‌ماهه برنامه جامع اقدام مشترک وزارت امور خارجه به مجلس شورای اسلامی ایران در گزارش شماره ۲۲ به اقدامات ناقض برجام توسط ایالات متحده آمریکا اشاره نموده است:

- تحریم یازده شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۷؛

- تصویب و اجرای قانون موسوم به «ویزا» علیه ۴ کشور خاورمیانه از جمله ایران؛

- توقیف ۲ میلیارد دلاری از اموال ایران؛

- تمدید وضعیت اضطراری علیه ایران توسط اوباما؛

- مصادره ۲/۸ میلیارد دلاری از دارایی‌های ایران در فوریه ۲۰۱۶ توسط دادگاه تجدیدنظر فدرال آمریکا؛

- تمديد دوباره ۱۰ ساله قانون لايحه تحريم ايران به نام (ايسا)^۱ در سال ۲۰۱۶ که در ايران به قانون داماتو شناخته می‌شود (بيست و دومين گزارش سه‌ماهه اجرائی برجام، ۱۴۰۰).

مقامات رسمی ايران بر اين باور بودند که تمديد برخی قانون‌ها مانند ايسا نقض برجام است. استدلال آنها اين بود که در پيوست ۲ برنامه جامع اقدام مشترک به صراحت توقف، لغو يا عدم تصويب تحريم‌های مندرج در اين قانون طی حداکثر ۸ سال پس از اجرائی برجام درخواست شده بوده است؛ و از اين‌رو عملاً تمديد اين قانون به منزله نقض برجام از سوی آمريکا است؛ اما مقامات آمريکا آن را به منزله نقض برجام نمی‌دانستند. آمريکايی‌ها بر اين باور بودند که تمديد اين قانون، تصويب تحريم‌های جديد نيست و از اين‌رو نقض برجام به شمار نمی‌رود (Patricia & Zengerle, 2016). از سوی ديگر ايالات متحده آمريکا معتقد بود که ديگر اقدامات صورت گرفته از جمله تمديد فرمان اجرائی برقراری وضعيت اضطراری ملی در مورد ايران به هيچ‌وجه مغاير با برجام نمی‌باشد. اين فرمان برای نخستين بار در روز ۱۴ نوامبر سال ۱۹۷۹ توسط رئيس‌جمهوری وقت ايالات‌متحده امضا شد و از آن زمان، هر ساله تمديد شده است. رئيس‌جمهوری آمريکا در توجيه تصميم به تمديد اين فرمان معتقد است روابط ما با ايران هنوز به وضعيت عادی بازنگشته و روند اجرائی توافق آمريکا با ايران در قرارداد الجزاير که در روز ۱۹ ژانويه سال ۱۹۸۱ به دست آمد هنوز در جريان است (The White House, 2017).

۳۶

بر اين اساس برجام شامل رفع هرگونه تحريم غيرهسته‌ای ايالات‌متحده آمريکا و اتحاديه اروپا عليه ايران نبود و مشخصاً به ايالات‌متحده و اتحاديه اروپا اجازه می‌داد که به دلایل غيرهسته‌ای نیز تحريم‌هایی عليه ايران وضع کرده و اجرائی نمايند، واقعیتی که مقامات دولت وقت اوباما به تکرار به آن اشاره می‌کردند. در واقع، از روز رفع تحريم‌های برجام ۱۶ ژانويه ۲۰۱۶ تا پايان دولت اوباما، ايالات‌متحده چندین دور تحريم‌های غيرهسته‌ای مرتبط با ايران را وضع نمود (Adam & Szubi, 2016). بگونه‌ای که در ادامه نیز پس از به قدرت رسيدن ترامپ نیز در سال ۲۰۱۷ چندین دور از تحريم‌ها عليه ايران وضع نمود که اين تحريم‌ها، مربوط به شبکه‌های تهيه موشک‌های بالستیک، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - شبکه‌های نیروی قدس و مباحث نقض حقوق بشر در سيستم زندان‌های ايران را هدف قرار می‌داد که به عقیده طرف‌های آمريکايی نقض تعهدات برجام نیز محسوب نمی‌شد. اما شرايط پس از انتخابات رياست جمهوری آمريکا و رویکرد دونالد ترامپ وارد مرحله حساس‌تر و متزلزل‌تر قرار گرفت. در طول انتخابات ترامپ همواره دو کلیدواژه را در مورد برجام تکرار می‌کرد: خروج از برجام - بدترین معامله تاريخ آمريکا. با اين وجود او ابتدا از الفاظی عليه توافق هسته‌ای و خروج استفاده می‌کرد اما بعدها وی بيان کرد ترجيح می‌دهد در مذاکرات برای اصلاح و تغيير برجام تکرار گردد (Arif Khan, 2018: 2).

¹ Iran Sanctions Act (ISA)

بر این اساس پس از پیروزی ترامپ در انتخابات به سرعت از توافق نامه خارج نشد زیرا می دانست این یک توافق چندجانبه است و از سوی دیگر طرف های اروپایی وی را همراهی نمی کنند و نیازمند دلایل معقولانه تری برای خروج یا اصلاح توافق نامه است در این راستا همواره برای مذاکره دوباره و اصلاح توافق نامه برجام اعلام آمادگی می کرد.

در ۵ نوامبر ۲۰۱۸، ایالات متحده اعمال مجدد تحریم های ثانویه مرتبط با هسته ای علیه ایران را طبق دستور رئیس جمهور در ماه مه تکمیل کرد. پرزیدنت ترامپ در ۸ می ۲۰۱۸ اعلام کرد که ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ایران و سایر دولت های ۵+۱ خارج می شود و تحریم های مرتبط با هسته ای را مجدداً علیه ایران اعمال می کند. به منظور اعمال مجدد تحریم ها، وزارت امور خارجه و خزانه داری ایالات متحده مجوزهایی را که به فعالیت های خاصی با ایران اجازه می داد و همچنین معافیت هایی که برای رفع تحریم های «ثانویه» علیه افراد غیرآمریکایی درگیر در برخی موارد صادر شده بود، لغو گردید (Mort & Nikki, 2018). در ادامه پس از اعلامیه خروج از برنامه جامع اقدام مشترک اقدامات تحریمی ایالات متحده آمریکا با شدت بیشتر آغاز گردید. برپایه این سازوکار کشورهای مشارکت کننده در برجام می توانند در صورت عدم پایبندی ایران به تعهداتش، بازگشت خودکار قطعنامه های تحریمی بین المللی علیه جمهوری اسلامی را درخواست کنند. از جمله اقدامات بعد از خروج از برجام احیای تحریم های ایران ۳۷ بعد از دوره های ۹۰ روزه و ۱۸۰ روزه که در جریان آنها شرکت ها و بانک ها فعالیت های خود را که در ارتباط با ایران است، به تدریج کاهش خواهند داد. پس از پایان دوره ۹۰ روزه پایان روز ۶ اوت ۲۰۱۸، دولت ایالات متحده تحریم های زیر را که براساس برجام لغو شده بودند دو بار احیا می کند از جمله: - تحریم های مربوط به خرید یا اکتساب اسکناس های دلار آمریکا توسط حکومت ایران و تحریم های مربوط به تجارت ایران با طلا یا فلزات گران بها. - تحریم های مربوط به فروش، عرضه، تأمین یا نقل و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته مانند آلومینیوم و فولاد و صادرات یا نرم افزار برای یکپارچه سازی فرآیندهای صنعتی به ایران. - تحریم های مربوط به معاملات خرید یا فروش ریال ایران یا نگهداری حساب ها و وجوه عمده ای که در خارج از خاک ایران برپایه ریال ایران نگهداری می شوند. - تحریم های مربوط به خرید، پذیره نویسی یا تسهیل معاملات دیون حاکمیتی ایران و تحریم های بخش خودروسازی ایران.

- لغو مجوز واردات فرش و مواد غذایی از مبدأ ایران به آمریکا و برخی مبادلات مالی مرتبط با آنها ذیل مجوزهای مربوط به قانون تحریم ها و مبادلات ایران. - لغو مجوزهای صادر شده برای صادرات هواپیماهای تجاری مسافربری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران.

پس از پایان دوره ۱۸۰ روزه در ۴ نوامبر ۲۰۱۸، آمریکا مجدداً تحریم‌های زیر را که براساس برجام لغو شده بود، دوباره اعمال می‌کند: - تحریم معامله با بخش‌های کشتیرانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بندرها شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و وابستگان به آنها. - تحریم مربوط به معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران و از جمله خریداری نفت، محصولات نفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران. - تحریم‌های مربوط به مبادلات موسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران و موسسات مالی ایرانی که به موجب بند ۱۰۴۵ قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۰۴۱۰ در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند. - تحریم‌های مرتبط با ارائه خدمات پیام‌رسانی مخصوص مالی به بانک مرکزی ایران و دیگری موسسات مالی ایران که در بند ۱۴۴ قانون لایحه جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران ۲۰۱۰ قانونی است. مصوب کنگره ایالات متحده آمریکا که تحریم‌های اضافی را بر ایران اعمال می‌کند این لایحه تحریم‌های اقتصادی وضع شده بر ایران براساس لایحه تحریم‌های ایران ۱۹۹۶ را گسترش داده و شرکت‌ها و افرادی را که به بخش نفت ایران کمک برسانند مجازات می‌کنند. این فشار مضاعف بخشی از کارزار بزرگتر بر هسته‌ای در ایران است، و هدف از آن هدف قرار دادن وابستگی ایران به واردات به منظور تأمین نیازش به بنزین است. این لایحه از سوی مجلس نمایندگان و سنا در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰ تصویب شد. - تحریم‌های مربوط به بخش انرژی و ارائه خدمات پذیره‌نویسی و بیمه.

۴- ایران و خروج آمریکا از برجام

از ابتدای انقلاب اسلامی تا حال حاضر همواره بی‌اعتمادی در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود داشته است. مقامات سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر این باور هستند که آمریکا غیرقابل اعتماد است بیش از یک دهه است که فعالیت‌های هسته‌ای ایران سوژه اختلاف با کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. واقعیت این است که رابطه ایران و آمریکا کلاف سردرگمی است که این دو کشور تنها بازیگران آن نیستند، بلکه بازیگران دیگری که از این رهگذر سود می‌برند در فرایند این روابط تأثیرگذار هستند. این وجود تلاش می‌شد بواسطه توافق برجام دوره‌ای از تنش‌زدایی بین روابط ایران و غرب شکل بگیرد اما متأسفانه اقدامات غیرسازنده آمریکا بعد از برجام و به‌خصوص دوره ۴ ساله ترامپ و خروج آن از توافق، ایران و آمریکا را از این مرحله دور کرد. از این‌رو مقامات جمهوری اسلامی همواره در طول مذاکرات هسته‌ای و حتی بعد برجام مواضع تند و صریحی در قبال نقض تعهدات طرف‌های مقابل و اقدام متقابل در صورت خروج آمریکا از برجام اتخاذ کرده بودند. بطور کلی مقامات ایران دائم تهدید می‌کردند که نتیجه وضع دوباره تحریم‌های آمریکا و یا خروج این کشور از برجام، ازسرگیری و توسعه سریع برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود؛ و همواره هشدار می‌دادند که برنامه هسته‌ای این کشور به شرایطی بسیار پیشرفته‌تر

نسبت به قبل از برجام و در مقیاس ساعت و روز ارتقا خواهد یافت؛ و ایران برای هرگونه سناریویی آمادگی دارد و به خروج ترامپ از برجام قاطعانه و مطابق با منافع ملی خود واکنش نشان خواهد داد. نوع واکنش ایران به تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا پیرامون توافق اتمی، هماهنگی قبلی در بالاترین سطوح نظام اتخاذ شده و تنها توسط رئیس‌جمهور روحانی اعلام گردید در این راستا چهارچوبی که تبیین‌کننده راهبرد اتخاذ شده ایران نسبت به خروج آمریکا از برجام می‌باشد مدل تصمیم‌گیری فزاینده است در این روش محافظه‌کارانه تصمیم‌گیرندگان درصدد تغییرات بنیادی و اساسی در تصمیم‌های قبلی نیستند؛ زیرا تصور می‌کنند که دگرگونی عمده در سیاستگذاری‌ها ممکن است مشکلات گوناگون و غیرقابل‌کنترلی در ایجاد سازش و توافق میان سیستم سیاسی و محیط آن از لحاظ تبدیل نهاده‌ها (خواسته‌ها و منافع) به داده‌ها (تصمیمات) به وجود آورد و حتی در مواردی مشروعیت نظام سیاسی مورد سوال قرار گیرد. از سوی دیگر باتوجه به واکنش طرف‌های باقی مانده برنامه اقدام مشترک و ابراز تأسف و انتقاد از اقدام غیرمسئولانه و خلاف دیپلماسی بین‌المللی حمایت خود را از حفظ برجام اعلام نمودند در این راستا ایران بر مبنای رویکرد چندجانبه‌گرایی تلاش نمود با گسترش روابط عمیق‌تر با اروپا، چین، روسیه بعنوان قدرت‌های نوظهور تأثیرات خروج ایالات‌متحده آمریکا از برجام و تحریم‌های مجدد را خنثی کند.

۵- رویکردهای حقوقی و فنی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱- شکایت از ایالات‌متحده آمریکا در دادگاه لاهه پس از خروج از برجام

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۷ در پی تصمیم رئیس‌جمهور وقت آمریکا به خروج از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های آن کشور علیه ایران که متعاقب برجام رفع شده بودند نزد دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت نمود. مطابق شکایت کشورمان وضع مجدد تحریم‌های ایالات‌متحده مغایر با تعهدات متعدد آن دولت به موجب معاهده ۱۹۵۵ بین دو کشور از جمله تعهد به رفتار عادلانه و منصفانه با اتباع و شرکت‌های ایرانی، عدم ایجاد محدودیت بر پرداخت و نقل و انتقالات مالی و بانکی، آزادی واردات، صادرات و حمل‌ونقل کالا و آزادی تجارت و کشتیرانی است. درخواست ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده شامل محکومیت ایالات‌متحده به نقض معاهده ۱۹۵۵ دو کشور و الزام آن دولت به توقف و رفع تحریم‌ها و همچنین جبران خسارات وارده به ایران است. پیمان موردنظر مقام‌های ایرانی با نام کامل «عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» در ۲۳ مرداد ۱۳۳۴ شمسی ۱۵ اوت ۱۹۵۵ در تهران بین ایالات‌متحده و دولت شاهنشاهی ایران به امضا رسید؛ و در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا شد. باتوجه به بند ۲ ماده (۲۱) پیمان که «دیوان لاهه» را بعنوان مرجع رفع اختلافات احتمالی تعیین کرده است، تهران با متهم

ساختن واشنگتن به نقض آن، در خرداد ۱۳۹۷ پرونده‌ای را علیه واشنگتن به دیوان لاهه برد. دولت ایران با استناد به ماده (۴۱) اساسنامه دیوان درخواستی را برای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اعمال مجدد تحریم‌ها توسط ایالات متحده تا رسیدگی نهایی نیز به دیوان تقدیم کرد. در پی این درخواست، دیوان ابتدا با قید فوریت به ایالات متحده اعلام کرد که از هرگونه اقدامی که منجر به تشدید اوضاع گردد خودداری کند و متعاقباً پس از برگزاری جلسات استماع مدافعات طرفین در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۹۷ ایالات متحده را با صدور دستور موقت ملزم نمود تا از ایجاد هرگونه ایجاد مانع بر سر راه واردات آزاد دارو و تجهیزات درمانی، مواد غذایی و کشاورزی و همچنین تجهیزات و خدمات لازم برای امنیت هوانوردی به ایران خودداری کند؛ اما ایالات متحده نه تنها از ایجاد تسهیلات لازم برای آزادی تجارت اقلام بشردوستانه امتناع کرد بلکه با وضع تحریم‌های بیشتر علیه کشورمان این دستور دیوان را نیز نادیده گرفت.

۵-۲- کاهش تعهدات هسته‌ای ایران در توافق‌نامه اقدام مشترک

اقدامات متقابل، ابزارهای قانونی برای دریافت ضمانت اجرایی و متداول‌ترین روش تلافی در برابر نقض این موارد هستند تعهدات در سطح بین‌المللی کشوری که قربانی نقض تعهدات کشور دیگری می‌شود، ممکن است از اقدامات متقابل برای متقاعد کردن طرف مغلوب به پذیرش مسئولیت خود در قبال تعهدات بین‌المللی، جلوگیری از نقض و انجام اقدامات جبرانی استفاده کند؛ بنابراین، شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای خطاب به کشورهای عضو برجام در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ تأکید کرد: «به کشورهای باقی‌مانده در برجام ۶۰ روز فرصت داده می‌شود تا تعهدات خود بویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی را عملیاتی نمایند. چنانچه در این مهلت کشورهای مزبور قادر نباشند مطالبات ایران را تأمین کنند، در مرحله بعدی جمهوری اسلامی ایران رعایت محدودیت‌های مربوط به سطح غنی‌سازی اورانیوم و اقدامات مربوط به مدرن‌سازی رآکتور آب‌سنگین اراک را نیز متوقف خواهد کرد. در هر زمان که خواسته‌های ما تأمین شوند، ما نیز به همان میزان اجرای مجدد تعهدات متوقف شده را از سر خواهیم گرفت اما در غیر اینصورت، جمهوری اسلامی ایران مرحله به مرحله اجرای تعهدات دیگر را متوقف خواهد کرد» (SNSC, 2019).

- گام اول در ۸ مه ۲۰۱۹ برداشته شد که طی آن ایران دیگر محدودیت‌های ذخیره اورانیوم غنی‌شده و آب‌سنگین را رعایت نمی‌کند. کاهش تعهدات، عبور از سقف ۳۰۰ کیلوگرمی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۰۳/۶۷ درصد، عدم فروش آب‌سنگین و مازاد اورانیوم غنی شده.

- گام دوم، در ۵ ژوئیه ۲۰۱۹، بعد از گذشت مهلت ۶۰ روزه ایران محدودیت‌های سطح غنی‌سازی و محدودیت‌های مربوط به نوسازی رآکتور آب‌سنگین اراک را کنار گذاشت و افزایش سطح غنی‌سازی از ۰۳/۶۷ درصد.

- گام سوم در ۶ سپتامبر ۲۰۱۹، بعد از گذشت دو ماه از گام قبلی و بعد از عدم تأمین نظر، ایران تحقیقات و توسعه هسته‌ای خود را مطابق با الزامات فنی خود و صرف‌نظر از تعهدات برجام از سر گرفت.

- گام چهارم در ۶ نوامبر ۲۰۱۹، دو ماه بعد از گام سوم ایران مجدداً تزریق گاز هگزا فلئورید اورانیوم (UF6) به سانتریفیوژهای خود در تأسیسات فردو را آغاز کرد.

- گام پنجم در ۵ ژانویه ۲۰۲۰ بعد از گذشت ۸ ماه از آغاز اولین گام کاهش تعهدات اعلام شد که در آن ایران اعلام کرد که دیگر خود را محدود به هیچ‌گونه محدودیتی در عملیات خود از جمله سطح غنی‌سازی و باز فرآوری تعداد سانتریفیوژهای فعال و عملیاتی و فعالیت‌های تحقیق و توسعه نمی‌داند (Yadegarian, 2019: 93).

در ادامه پس از گذشت حدود ۱,۵ سال از آغاز گام‌های مربوط به کاهش تعهدات برجام، ایران تنها در بخش مربوط به غنی‌سازی برخی اقدامات مقابله‌ای را انجام داد و در حوزه تعدیل نظارت‌ها اقدام خاصی را پیگیری نکرد در این راستا مجلس جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون راهبردی برای لغو تحریم‌ها طبق این قانون دولت مکلف شد تا در صورت عدم لغو عملی تمامی تحریم‌ها از سوی دولت ایالات متحده در ضرب‌الاجلی دوماهه (تا روز ۵ اسفند ۹۹)، ضمن تکمیل گام‌های پیشین کاهش تعهدات، گام‌های بعدی مقابله‌ای را با توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای کلید بزند (NIAC, 2020).^{۴۱}

ایران اجرای داوطلبانه پروتکل را در ۲۳ فوریه ۲۰۲۱ متوقف کرد ایران موظف بود مطابق با توافق برجام پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را اجرا کند براساس این قانون ایران در دسامبر ۲۰۲۰ که به‌منظور تحت فشار قرار دادن ایالات متحده برای لغو تحریم‌ها اعمال شده، تصمیم گرفت که تعهدات خود را متوقف کند (JULIA MASTERSON, 2021). تا به امروز اجرای این دستورالعمل آخرین اقدام عملی ایران پس از خروج آمریکا از برجام بوده است.

۶- رویکردهای سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران

۶-۱- تعمیق روابط با اتحادیه اروپا

در روابط ایران و اتحادیه اروپا می‌توان نقاط همکاری بیشتری در برابر تعارض روابط مشاهده می‌شود این امر را می‌توان در تاریخچه روابط ایران و اتحادیه اروپا مشاهده نمود. در سیاست خارجی اتحادیه اروپا ایران دارای جایگاه بسیار مهم است و از سوی دیگر اروپا نیز در سیاست خارجی ایران اهمیت بالایی قرار دارد. بر این مبنا جمهوری اسلامی ایران خواهان استفاده از نفوذ اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اتحادیه اروپا، استفاده از فناوری‌های جدید و دانش اتحادیه اروپا، بهره‌گیری از قدرت سیاسی-

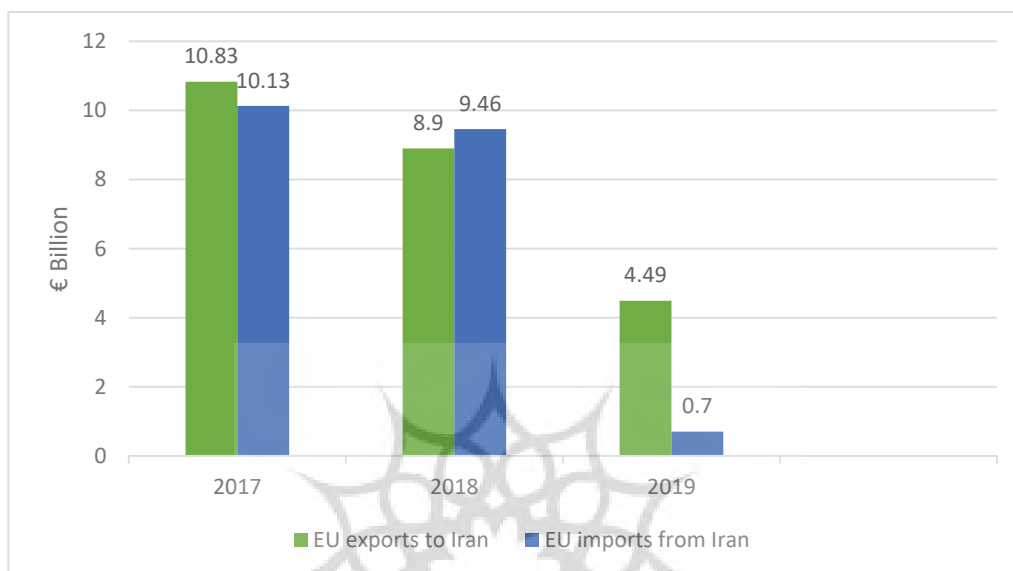
اقتصادی اروپا در مقابل آمریکا و کم کردن فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا بویژه در زمینه پرونده هسته‌ای بوده است. از سوی دیگر، اتحادیه اروپا نیز با انگیزه‌های نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی در خاورمیانه، سرمایه‌گذاری در ایران، توسعه دامنه نفوذ در خاورمیانه، تأثیر بر فرآیند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی، مقابله با پدیده تروریسم، جلوگیری از توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل و همزمان با آن ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در کنار ایالات متحده تلاش داشته است از طریق روابط سیاسی خود با تهران تعمیق بخشد. از این رو روابط دوجانبه ایران و اروپا همواره تحت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و بحران پرونده هسته‌ای ایران بوده است و اتحادیه اروپا بعنوان بازیگر بین‌المللی همواره تلاش نموده مهم‌ترین مانع گسترش روابط با آمریکا ایفا کند.

در نهایت پس از چندین سال مذاکره و نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا در حل پرونده هسته‌ای این مانع اصلی در روابط دوجانبه برداشته شد و با توجه به رویکرد چندجانبه و نگاه به غرب دولت حسن روحانی پیوند و گسترش روابط دوجانبه گسترش بیشتری یافت. لغو تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای تحت برجام نیز تأثیر مثبتی بر روابط تجاری و اقتصادی اتحادیه اروپا با ایران داشته است.

جدول (۱) بزرگ‌ترین معاملات اعلام‌شده ایران و اروپا پس از توافق‌نامه برجام

شرکت توتال	امضای قرارداد ۴,۷ میلیارد دلاری برای توسعه تولید در میدان گازی پارس جنوبی امضا.
سیتروئن، پژو، رنو، اسکانیا، و فولکس‌واگن	رنو در سال ۲۰۱۶ براساس قراردادی ۲۵۵ میلیون یورویی با شرکت ایرانی سایپا، موافقت کرد که کارخانه‌ای با تولید سالانه ۲۰۰ هزار دستگاه خودرو در ایران افتتاح کند. رنو قرارداد سرمایه‌گذاری ۶۶۰ میلیون یورویی برای ساخت ۳۵۰ هزار خودرو در سال در کارخانه‌ای خارج از تهران به همراه دو شرکت ایرانی امضا کرد. شرکت سوئدی اسکانیا برای ساخت ۱۳۵۰ اتوبوس در ایران کارخانه تاسیس کرده است
شرکت زیمنس	قراردادی برای نوسازی شبکه ریلی ایران امضا کرد.
شرکت فودافون	همکاری با شرکت ایرانی‌های وب برای نوسازی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات
شرکت دانیلی	چندین قرارداد برای تأمین ماشین‌آلات سنگین تولید فولاد امضا کرد.
کوارکس	مذاکره برای یک قرارداد ۵۰۰ میلیون یورویی برای توسعه بخش انرژی خورشیدی ایران
شرکت FS	یک قرارداد ۱,۲ میلیارد یورویی برای ساخت راه‌آهن سریع‌السیر بین قم و اراک امضا کرد

همچنین در نمودار زیر می‌توان اهداف مشترک و میزان تغییرات مثبت حجم واردات و صادرات را از پس از برجام و رفع تحریم‌ها در بازه ۲۰۱۷-۲۰۱۹ در روابط ایران و اروپا مشاهده نمود.



۴۳

نمودار ۱) حجم واردات و صادرات ایران و اتحادیه اروپا ۲۰۱۷-۲۰۱۹

source: EPRS

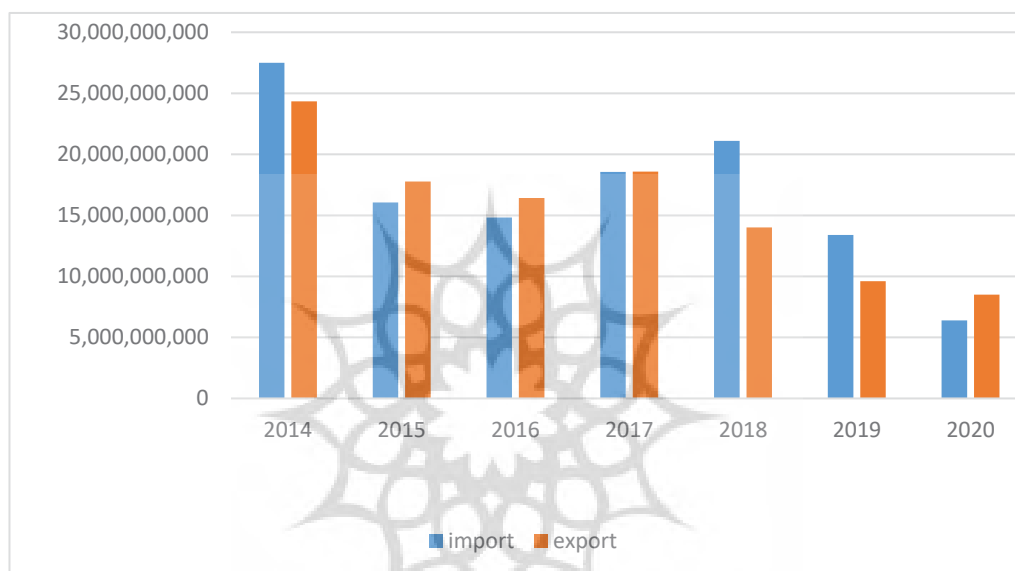
همچنین به نظر می‌رسد ایران یک شریک متعهد برای اروپا باشد. این کشور زیرساخت توسعه‌نیافته دارد، به فناوری‌های جدید نیاز دارد و صنایع استخراجی، خودروسازی و هوانوردی آن نیازمند سرمایه‌گذاری و توسعه است. در نتیجه ایران و اتحادیه اروپا زمینه‌های همکاری بالقوه زیادی دارند.

۲-۶- تعمیق روابط با قدرت‌های نوظهور: چین

آونگ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره بین نگاه به غرب و نگاه به شرق در حال حرکت بوده است از سویی با نگاه به گذشته و سیاست‌های عملی ایران می‌توان این برآیند را داشت که نگاه و حرکت به غرب بیشتر نمایان بوده است. ایران به دلیل چالش‌های عمیقی با نظام بین‌الملل تلاش نموده تعارضات و چالش‌های خود را حل‌وفصل کند و اجماع جهانی علیه ایران را خنثی کند درنهایت منجر به توافق برنامه اقدام مشترک و حل‌وفصل بزرگ‌ترین چالش ایران یعنی پرونده هسته‌ای گردید؛ اما دیری نپایید با خروج آمریکا وضعیت مطلوب ایجاد شده توسط برجام دچار چالش و پیچیدگی گردید. ایران در راستای الگوی

چندجانبه‌گرایی و مدل تصمیم‌گیری فزاینده تلاش نمود از فرصت ایجاد شده در نظام بین‌الملل یعنی شکست زنجیره اجماع و فشار بین‌المللی و شکاف ایجاد شده بین آمریکا و متحدانش در عدم پایبندی به توافقات بین‌المللی به تعهدات خود در توافق عمل کند و تعمیق روابط با اتحادیه اروپا برای تأمین منافع حاصل از برجام و خلأ حضور آمریکا را دنبال کند. اما باتوجه با ماهیت نظام هژمونیک و آغاز تحریم‌های دوباره آمریکا پس از خروج و همچنین عدم استقلال سیاست خارجی اتحادیه اروپا کشورهای اروپایی نتوانستند منافع موردنظر ایران در برجام را تأمین کنند و همواره از جانب ایران متهم به کم‌کاری شدند. در نتیجه ایران به منظور خنثی‌سازی اقدامات آمریکا و گسترش چتر سیاست خارجی خود در کنار اتحادیه اروپا پس از خروج آمریکا روابط خود را با چین تعمیق ببخشد. روابط دوجانبه چین و ایران قبل از برجام همواره تحت تأثیر اجماع و فشار بین‌المللی بوده و هیچ‌وقت به سطح استراتژیک نرسید چین همواره سطح روابط خود را با ایران در چهارچوب تحریم‌های بین‌المللی و همسویی با سیاست‌های بین‌المللی قرار داده است چین قبل و بعد از فروپاشی نظام دوقطبی، سیاست خارجی خود را برپایه تقویت همبستگی و همکاری با دیگر کشورهای پیشرفته بنا نهاده تا از این طریق، بطور همزمان از بلوک‌بندی علیه خود جلوگیری نموده، زمینه را برای چندقطبی ساختن ساختار نظام بین‌الملل آماده نموده و محیط را برای رشد و توسعه اقتصادی خود مساعد نماید (Green & Roth, 2021). از سویی دیگر هرچند ایران چهارمین ذخایر بزرگ نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان را دارد و باتوجه به جمعیت ۸۵ میلیونی ایران و اقتصاد نسبتاً متنوع، موقعیت جغرافیایی ایران در محل تلاقی خاورمیانه، آسیای مرکزی و جنوبی و در امتداد تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین مسیرهای کشتیرانی نفت جهان، ارزش اقتصادی و ژئواستراتژیک برای چین دارد اما باتوجه به سیاست چین که مبتنی بر ثبات و همکاری است تلاش نموده از ایجاد تنش با نظام بین‌الملل خودداری کند. در ایران سه نگاه متفاوت به چین وجود داشته جناح اول رویکردی اقتصادی دارد که تلاش می‌کند صرفاً از طریق روابط اقتصادی با چین فشار تحریم‌های بین‌المللی را کاهش دهد جناح دوم چین را با رویکرد ایران برای گذار در نظام بین‌الملل و ایجاد نظم جدید ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه بدون حضور آمریکا همسو و هم‌راستا می‌داند. در نهایت جناح سوم که در اقلیت است نگاه بدبینانه و منفی به چین دارد و پکن را بطور فزاینده‌ای در حال تجاوز به حاکمیت ایران می‌داند. براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ که توسط دانشگاه مریلند انجام شد، اکثریت مردم ایران (۵۸ درصد) نظر مثبتی به چین داشتند، درحالی‌که ۳۹ درصد نظر منفی به پکن داشتند (Green & Roth, 2021). بر این اساس باتوجه به نگاه ایران به چین بعنوان راه‌حلی برای کاهش فشار تحریم‌ها و تنها شریک بزرگ تجاری ایران و همچنین تلاش چین برای جلوگیری از ایجاد تنش با آمریکا با نگاه به روابط دوجانبه به‌خصوص روابط پرفرازونشیب تجاری نشان دهنده این است که همکاری دوجانبه صرفاً در محدوده تجارت و اقتصاد بوده و هیچگاه به سطوح امنیتی و سیاسی نرسیده است و این

فضا بیشتر ناشی از فشار و تحریم‌های علیه ایران قبل از توافق هسته‌ای و خروج ترامپ از توافق و اعمال مجدد تحریم‌ها بوده است اگرچه پکن نشان داده است که قصد دارد روابط اقتصادی با ایران را حفظ یا حتی تعمیق بخشد؛ اما به علت فضای موجود گرایش چین به رقباى ایران از جمله عربستان و امارات بیشتر شده است. در نمودار شماره ۲ میزان حجم واردات و صادرات ایران و چین و همچنین نمودار شماره ۳ میزان حجم تجارت همسایگان ایران با چین به نظر می‌رساند که ایران و چین شراکت اقتصادی زیادی دارند

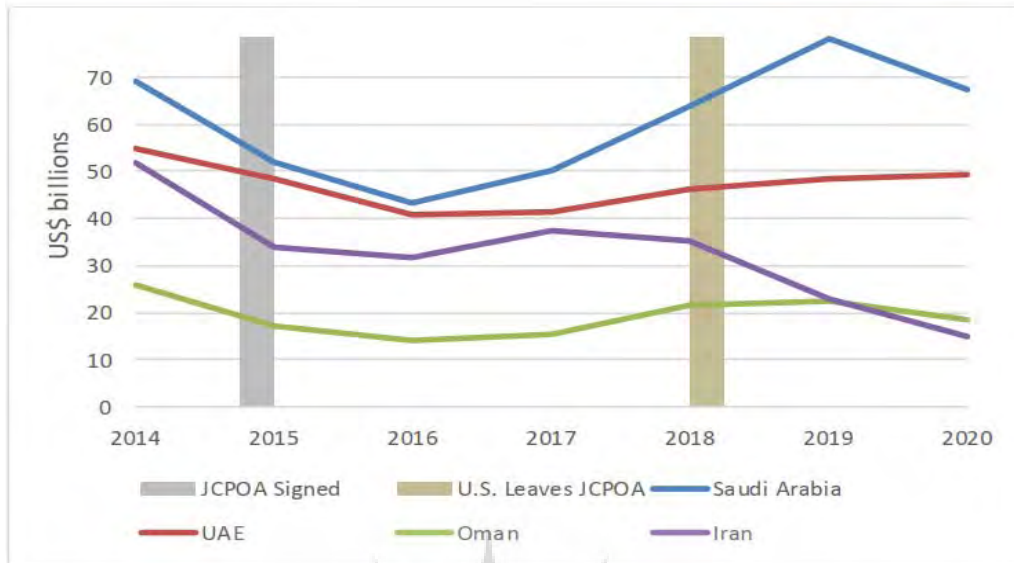


۴۵

نمودار ۲) میزان حجم واردات و صادرات ایران و چین (۲۰۲۰-۲۰۱۴)

Sours: UN Comtrade

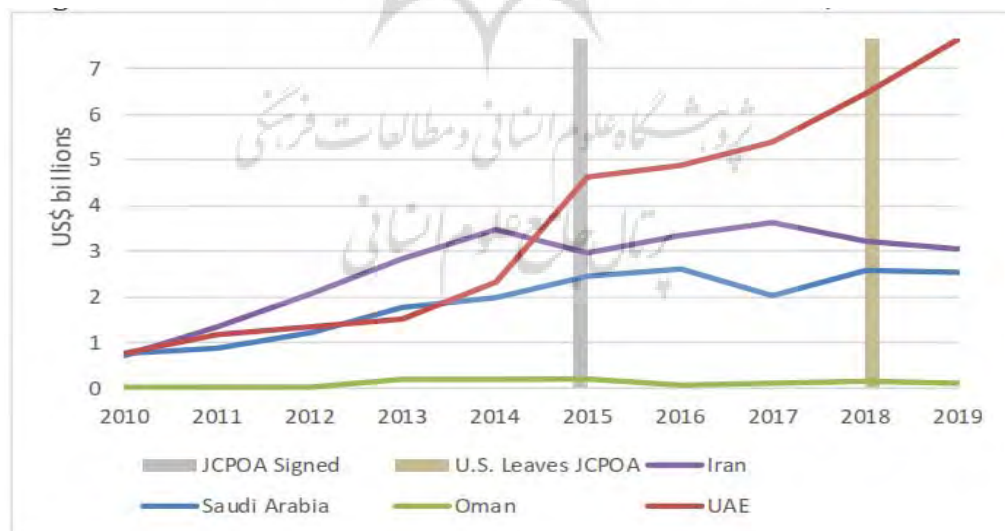
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۳) تجارت چین با کشورهای منتخب خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۲۰)

Source: U.S.China Economic and Security Review Commission

همچنین در نمودار شماره ۴ در حوزه نفت اصلی‌ترین بخش تجارت ایران با چین را تشکیل می‌دهد و تأمین ۴۶ جریان انرژی برای اقتصاد و صنایع چین بسیار حیاتی است ایران نسبت به همسایگان و رقبای خود در حوزه نفت و انرژی بعنوان یک شریک تجاری یا مقصد سرمایه‌گذاری برای چین عقب‌تر است و میزان فروش نفت کشور عربستان، امارات، عمان به چین رشد قابل توجهی داشته است.



نمودار ۴) سهام FDI چین در کشورهای منتخب خاورمیانه (۲۰۱۰-۲۰۱۹)

Source: U.S. China Economic and Security Review Commission

بر این اساس سطح روابط دوجانبه ایران و چین به خصوص در بخش اقتصادی تابعی از منافع استراتژیک چین و ایران نیست؛ بلکه تابه حال تنها نتیجه استراتژی اتخاذی غربی و اجماع جهانی علیه ایران و منفعل شدن چین بوده است و از سوی دیگر ایران به منظور کاهش فشارهای اقتصادی بین‌المللی چین را بعنوان تنها بازیگر رقیب و موثر در نظام بین‌الملل می‌دید و چین نیز باتوجه به اهمیت ژئوپلیتیکی، سیاسی و اقتصادی ایران بعنوان چهارمین ذخایر بزرگ نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان می‌باشد. در نهایت باتوجه به تاریخچه روابط دوجانبه چین و ایران به نظر می‌رسد ایران پس از خروج آمریکا از برجام و انتقادات وارده بر آن و در مقابل پایبندی ایران به توافق بین‌المللی به هوشمندی از فضای ایجاد شده بویژه نبود عدم اجماع بین‌المللی و شکاف ایجاد شده در بین متحدان آمریکا استفاده نموده و بدون هرگونه اقدام افراطی و شتابزده در راستای گسترش روابط چندجانبه تلاش نموده روابط خود را با سایر قدرت‌های نوظهور گسترش دهد و این تعمیق و گسترش صرفاً در سطح اقتصادی نباشد بلکه تلاش می‌کند سایر ابعاد را نیز در برگیرد یکی از این قدرت‌ها چین است.

بر این مبنا چین قراردادهای همکاری مشابهی با رقبای ایران در منطقه ایجاد کرده که شامل: عراق (در سال ۲۰۱۵)، عربستان سعودی (در سال ۲۰۱۶) و امارات متحده عربی (در سال ۲۰۱۸) و ترکیه (در سال ۲۰۱۰) و سهم رقبای منطقه‌ای ایران در تجارت با چین روزبه‌روز در حال پیشی گرفتن است بدین منظور ایران برای ۴۷ حفظ جایگاه و برتری خود باتوجه برتری ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی نسبت به همسایگان اقدام به توسعه روابط استراتژیک در قالب قرارداد استراتژیک ۲۵ ساله نموده است هرچند موضوع این توافق به سال‌های ۱۳۹۴ برمی‌گردد اما بواسطه وضعیت ایران در نظام بین‌الملل و فشار حداکثری اجرایی نگردید اما بعد از توافق برجام و خروج ایران از وضعیت بحرانی این موقعیت فراهم گردیده است. در چارچوب این سند راهبردی دو کشور تلاش می‌کنند سطح روابط خود را تعمیق بخشیده برای دستیابی به اهداف جامع سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی زیر همکاری کنند بخشی از اهداف در این سند را می‌توان در ذیل مشاهده نمود:

- گسترش روابط تجاری و اقتصادی دوجانبه و تعامل موثر بین نهادهای دولتی و خصوصی و نیز مناطق آزاد و ویژه اقتصادی؛ - بهبود کارایی در بخش‌هایی مانند اقتصاد، فناوری و گردشگری و مشارکت استراتژیک در زمینه‌های مختلف اقتصادی؛ - بررسی مستمر و موثر وضعیت همکاری‌های مشترک اقتصادی با هدف رفع موانع و مقابله با چالش‌ها؛ - هماهنگی و حمایت از مواضع یکدیگر در نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های منطقه‌ای؛ - اجرای قوی قوانین در همکاری‌های امنیتی دوجانبه از جمله مبارزه با تروریسم؛

برای گسترش همکاری همه‌جانبه، دو طرف در چارچوب مشخص شده به شرح زیر است:

- انرژی، از جمله نفت خام (تولید، انتقال، پالایش و تحویل مطمئن)، پتروشیمی، انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای غیرنظامی؛ - بزرگراه، راه‌آهن و ارتباطات دریایی با نقش فزاینده ایران در طرح کمربند و جاده؛ - روابط بانکی با استاندارد بالا، با تأکید بر استفاده از پول ملی همراه با مبارزه قاطعانه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و جرائم سازمان یافته؛ - همکاری در زمینه‌های گردشگری، علمی-دانشگاهی و فناوری، تبادل تجربه در زمینه تربیت نیروی انسانی، ریشه‌کنی فقر و بهبود معیشت عمومی در مناطق توسعه نیافته (Yacoubian, 2021).

ایران به موازات گسترش روابط دوجانبه با کشورهای قدرتمند نوظهور تلاش می‌کند جایگاه خود را در سازمان‌های بین‌المللی بویژه سازمان‌های منطقه‌ای که به دور از نفوذ آمریکا است ارتقاء دهد و پیوند عمیقی ایجاد کند که این امر خود منجر به چندجانبه‌گرایی و تعمیق روابط با کشورهای عضو می‌باشد بر این اساس در راستای قرارداد بلندمدت استراتژیک ۲۵ ساله با چین گام بعدی ایران پس از حل‌وفصل اختلافات با تاجیکستان و موافقت چین به عضویت دائم سازمان همکاری‌های بین‌المللی شانگهای درآمد. عضویت ایران علاوه بر کسب منافع اقتصادی به دلیل موقعیت جغرافیایی موثر خود نقش مهمی در اتصال شرق و غرب طی برنامه بلندپروازانه ابتکار کمربند و جاده چین بازی می‌کند که با امضای قرارداد راهبردی ۲۵ ساله محتمل‌تر شده و بیشتر به دنبال کسب منافع سیاسی است زیرا با عضویت ایران در این سازمان غرب نیز سیاست معتدل‌تری نسبت به ایران در پیش خواهد گرفت تا از افتادن کامل این کشور به دامان چین و روسیه جلوگیری کند.

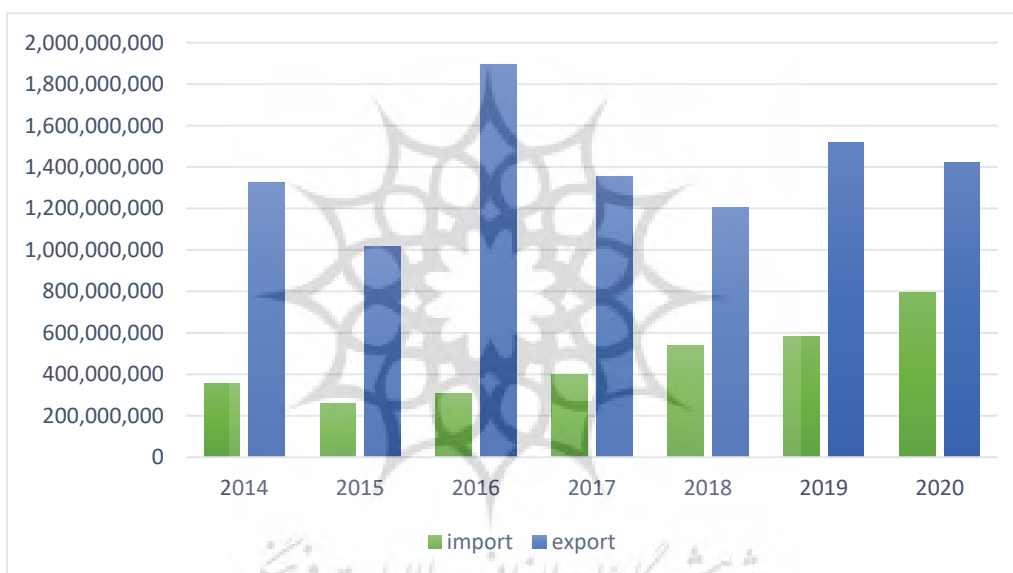
۴۸

۳-۶- تعمیق روابط با قدرت‌های نوظهور: فدراسیون روسیه

ایران پس از خروج آمریکا از برجام در کنار اتحادیه اروپا و چین در راستای تعمیق روابط چندجانبه خود که ناشی از فضای ایجاد شده بین‌المللی بواسطه توافق بین‌المللی برنامه اقدام جامع مشترک و خروج از فصل هفتم شورای امنیت و از یک بازیگر پرخطر و تهدیدآمیز به یک بازیگر عادی تبدیل گردید و با صلح‌آمیز شناخته شدن فعالیت‌های هسته‌ای در عرصه نظام بین‌الملل و همچنین برچیده شدن اجماع بین‌المللی تلاش نموده روابط دوجانبه خود را با فدراسیون روسیه تعمیق بخشد. از منظر کارشناسان بین‌المللی بواسطه گذار نظام بین‌الملل از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی روسیه را در کنار چین بعنوان یکی از قدرت‌های نوظهور پیش‌بینی می‌کنند، روابط آمریکا با فدراسیون روسیه تابعی است از ملاحظات گسترده بین‌المللی که در تاریخ روابط خارجی این دو کشور ریشه دوانیده است. روابط دوجانبه ایران و روسیه در بستر تاریخ همواره دارای فراز و فرودهای فراوانی بوده و بیشتر تحت تأثیر نظام بین‌الملل و رقابت سنتی آمریکا و روسیه قرار داشته. روابط ایران و روسیه را باید از منظر اقتصادی و سیاسی-امنیتی مورد توجه قرار داد. در بعد اقتصادی روابط

ایران و روسیه همواره تحت تأثیر شرایط نظام بین‌الملل به‌خصوص آمریکا بوده و دو کشور در بعد اقتصادی همواره منتظر ایجاد زمینه مناسب برای همکاری بودند بخشی از عدم توسعه روابط اقتصادی ایران و روسیه ناشی از تحریم‌های بین‌المللی بوده است.

باتوجه به نمودار شماره ۵ ارزش مبادلات تجاری ایران و روسیه به‌سختی به حدود ۲ میلیارد دلار در سال می‌رسد که البته بخش اعظم این مقدار نیز به واردات کالا مربوط است و سهم صادرات اندک است. روسیه در جایگاه هشتم مقاصد وارداتی و جایگاه چهاردهم وارد مقاصد صادراتی کالا برای ایران قرار دارد. مبادلات تجاری این دو کشور نیز با وجود اینکه هر دو تحت تحریم‌های غرب قرار دارند، همواره تحت تأثیر تحریم‌های غرب علیه ایران قرار گرفته است.



نمودار ۵) حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه ۲۰۱۴-۲۰۲۰

Sours: UN Comtrad

از سوی دیگر اگرچه روابط اقتصادی دوجانبه از پتانسیل‌های موجود کمتر بهره‌مند بوده اما در روابط امنیتی و نظامی دو کشور درهم‌تنیده و هم‌راستا است و این امر را می‌توان از الگوی مشترک هر دو کشور در نظم منطقه آسیای مرکزی و غرب آسیا و بویژه در خاورمیانه مشاهده نمود و روابط استراتژیک نظامی امنیتی دو کشور را در تحولات انقلاب‌های عربی و بعد آن مشاهده نمود (Dettoni, 2014). بطور کلی راهبرد سیاست خارجه ایران در ادوار گذشته همواره بصورت قطبی‌پیکیری می‌شد در بازه زمانی گرایش به غرب و در بازه زمانی دیگر گرایش به شرق و این روابط هیچ‌گاه استراتژیک و بلندمدت نبوده و همواره تک‌بعدی بوده است.

لذا مناسبات کشورها را هنگامی می‌توان استراتژیک توصیف کرد که هر دو طرف در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی دارای بالاترین سطح مناسبات باشند. اما پس تحولات ایجاد شده بواسطه برنامه اقدام مشترک و فضای به وجود آمده ایران تلاش نموده روابط چندجانبه و عمیق و راهبردی در تمام ابعاد را دنبال کند از این‌رو در قالب توافقنامه‌های استراتژیک بلندمدت این امر را دنبال کند و بگونه‌ای این پیام را برساند که ایران خواهان روابط استراتژیک و چندبعدی و بلندمدت است بر همین اساس در راستای گام اول این رویکرد که در قرارداد ۲۵ سال ایران با چین شاهد هستیم در ادامه ایران تلاش نموده این رویکرد را با فدراسیون رویه نیز دنبال کند هرچند توافق استراتژیک ۲۰ ساله ایران و روسیه از قبل وجود داشته و ماجرای توافق ایران و روسیه برای همکاری‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی موضوع جدیدی نیست و دو کشور از ۲۰ سال پیش توافقنامه‌ای در این زمینه در سال ۲۰۰۱ به امضا رسانده‌اند.

اما بندهای غالب این توافقنامه در راستای موضوعات امنیتی و سیاسی بوده که شامل: - احترام به تمامیت ارضی، عدم اقدامات سیاسی و نظامی علیه یکدیگر؛ - همکاری‌های نظامی در صورتی که یکی از طرفین مورد تجاوز قرار گرفت؛ - حل اختلافات احتمالی از طریق مذاکره و به شکل مسالمت‌آمیز؛ - تلاش برای حذف سلاح‌های کشتار جمعی و همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای؛ - احداث نیروگاه‌های اتمی افزایش مبادلات تجاری در حوزه نفت و انتقال انرژی؛ - همکاری در مسائل فرهنگی در چهارچوب دانشگاه‌ها و موسسات فرهنگی برای آشنایی با فرهنگ و زبان دو کشور. اما با توجه به فضای حاکم بر ایران در عرصه بین‌الملل و اجماع جهانی توفیق چندانی در این زمینه‌ها تاکنون حاصل نشده است. از سویی دیگر روابط اقتصادی یکی از نقاط ضعف روابط ایران و روسیه بوده است بگونه‌ای که روابط نظامی - امنیتی عمیق و گسترده بوده روابط اقتصادی از این خاصیت برخوردار نبوده در نتیجه ایران در تلاش برای برطرف کردن این ضعف است که مرکز این اقدامات و سیاست‌های دریای خزر و منطقه اوراسیا است. گام نخست از این اقدامات امضای توافقنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۹ اشاره نمود. ایران در حال حاضر در حال انجام تجارت ترجیحی با ۵ کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و هدف اصلی ایران پیوستن به این اتحادیه بصورت رسمی است؛ چراکه اگر ایران عضو رسمی اتحادیه شود، می‌تواند با تعرفه‌های آزاد با کشورهای عضو این اتحادیه تجارت انجام دهد. تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۲۹ مه ۲۰۱۴ بین کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان منعقد و جایگزین اتحادیه گمرکی اوراسیا شد و سپس کشورهای ارمنستان و قرقیزستان نیز به عضویت آن درآمدند. این اتحادیه هم اکنون ۲۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت و ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت دارد که ۵,۲ درصد جمعیت جهان است. ایران در بهترین موقعیت ترانزیتی، یعنی قرار گرفتن بین دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و قرار گرفتن در موقعیت ترانزیتی شرق به غرب، می‌تواند مسیری مناسب برای ترانزیت کالاهای کشورهای عضو اتحادیه در رونق کربدور بین‌المللی

حمل‌ونقل شمال - جنوب موثر باشد؛ و از سوی دیگر بسیاری از کشورهای منطقه و آسیای شرقی به‌خصوص هند و چین درصدد پیوستن به این اتحادیه باشند و عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا در کنار سازمان همکاری‌های شانگهای که به تازگی صورت گرفته می‌تواند همگرایی و چندجانبه‌گرایی ایران و پیوند استراتژیک را با قدرت‌های نوظهور مانند چین و روسیه و هند را صورت بخشد (Ellis, 2021).

تصویر (۱) ژئوپلیتیک کریدور شمال - جنوب



۵۱

باتوجه به نقشه و اهمیت ژئوپلیتیک کریدور شمال - جنوب در در گام بعدی در توسعه روابط استراتژیک اقتصادی ایران و روسیه می‌توان به تلاش برای احیای کریدور شمال - جنوب اشاره نمود روسیه و ایران تلاش می‌کنند زیرساخت‌های لازم حمل‌ونقل را ایجاد کنند که اغلب مشکلات ایران مربوط به حوزه حمل‌ونقل زمینی و ریلی است و حمل‌ونقل ریلی کشور متناسب با نیازهای کشور توسعه نیافته است. از سوی دیگر وسایط حمل‌ونقل جاده‌ای از قبیل کامیون‌ها دچار فرسودگی شده‌اند و بندرها و اسکله‌ها نیز رشد شایانی نداشته‌اند. در حال حاضر دو خط آهن سرخس-تجن و خط آهن گرگان-اینچه برون توان ارسال کالا به مقصد روسیه از طریق ترکمنستان و قزاقستان را دارد. احداث راه‌آهن رشت-آستارا (ایران)-آستارا (جمهوری آذربایجان)، مهم‌ترین پروژه حمل‌ونقل ریلی میان ایران و روسیه است که می‌تواند مناسبات این دو کشور را بطور چشمگیری افزایش دهد و تکمیل کننده کریدور شمال به جنوب است (Cyril & Kotova, 2021).

کریدور حمل‌ونقل شمال - جنوب از جمله ده کریدور ترانزیتی ریلی و ترکیبی تعریف شده در نشست کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در هلسینکی در سال ۱۹۹۲ است که بعنوان شاهراه ترانزیتی میان سه کشور ایران، روسیه و هند به تصویب رسید. توافقنامه این کریدور نیز در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی بین سه کشور یاد شده بعنوان موسسان کریدور شمال - جنوب در سن پترزبورگ به امضا رسید. در این کریدور قاره‌های آسیا و اروپا به همدیگر پیونده داده شده و ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد (Cyril & Kotova, 2021).

شاخه مرکزی: از بندر جواهر لعل نهرو، بزرگ‌ترین بندر هند، بخشی از منطقه بمبئی در غرب ایالت ماهاراشترا هند در اقیانوس هند آغاز می‌شود. سپس از طریق یک مسیر دریایی ۱۲۷۵ کیلومتری به بندرعباس در تنگه هرمز متصل می‌شود. سپس از طریق زمینی ایران از طریق جاده و راه‌آهن به سمت شمال به نوشهر، امیرآباد و به دریای خزر در بندرانزلی ایران می‌گذرد و در آنجا می‌توان به بندر لاگان و آستاراخان در روسیه و همچنین بندرهای آذربایجان، ترکمنستان تقسیم می‌شود.

شاخه غربی: این شبکه راه‌آهن آذربایجان را از طریق نقاط گره‌ای مرزی آستارا (آذربایجان) و آستارا (ایران) به ایران و از طریق مسیر دریایی به بندر جواهر لعل نهرو در هند وصل می‌کند.

شاخه شرقی: روسیه را از طریق کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان به هند متصل می‌کند (Cyril & Kotova, 2021).

همانطور که گفته شد مرکز گسترش روابط اقتصادی ایران و روسیه در راستای توافق‌نامه ۲۰ ساله دریای خزر است یکی دیگر از گام‌های بهبود این امر گسترش و ایجاد بندرهای در دریای خزر و گسترش حمل‌ونقل دریایی می‌باشد (Vatanka, 2020).

نتیجه‌گیری

قرن بیست و یکم قرن ظهور بازیگران و قدرت‌های جدید بین‌المللی و منطقه‌ای بعنوان یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای نظام بین‌الملل شناخته می‌شود در حال حاضر خیز بلند چین و هند و تلاش روسیه برای بازگشت دوباره به عرصه بین‌الملل نشان دهنده این امر است از سویی دیگر قدرت‌های نوظهور بین‌المللی تلاش می‌کنند ساختار یکجانبه‌گرا و تک‌قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل که توسط آمریکا رهبری می‌شود را به چالش بکشند بر این اساس قدرت‌های نوظهور تلاش می‌کنند نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار قدرت نظام بین‌الملل پسانتقالی ایفا نمایند.

قدرت‌های نوظهور بین‌المللی تلاش می‌کنند از طریق هویت‌سازی بین‌المللی و زمینه‌سازی برای جابجایی تدریجی قدرت و بازتوزیع نقش و نفوذ، از جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد و سیاست جهانی برخوردار می‌شوند. در این راستا سایر بازیگران بین‌الملل تلاش می‌کنند با ایجاد ائتلاف و همکاری‌های گوناگون در قالب روابط دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای در قالب سازمان‌های منطقه‌ای منافع خود را در روند تغییر نظام بین‌الملل به حداکثر برسانند اما متأسفانه جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های اساسی سیاسی و اقتصادی در حوزه انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برتر نسبت به همسایگان و رقبا بواسطه وضعیت امنیتی که پرونده هسته‌ای و به دنبال آن تحریم‌های گسترده اعمال گردید موجب تحریم، فشار اقتصادی و سیاسی و اجماع بین‌المللی علیه ایران از طرف ایالات متحده و متحدان آن و همچنین سازمان‌های بین‌المللی به‌خصوص شورای امنیت گردید.

این امر موجب گردیده از منافع کمتری برخوردار گردد. در مقابل رقبا و همسایگان منطقه‌ای ایران از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و کشورهای قفقاز و قفقاز جنوبی گوی سبقت را ربوده و رشد و توسعه خود را سرعت بخشیدند. در نهایت برنامه جامع اقدام مشترک موجب حل و فصل پرونده هسته ایران گردید و نویدبخش وضعیت عادی و تعامل‌گرا در نظام بین‌الملل بود تا بتواند حرکت رشد و توسعه خود را سرعت ببخشد و عقب‌ماندگی‌های چندین ساله گذشته را جبران کند اما در نهایت آمریکا بصورت یکجانبه از برجام ۵۳ خارج گردید. در نتیجه با توجه با واکنش‌های سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران ایران و فضای دوقطبی داخل ایران پیش‌بینی می‌شد ایران در واکنشی متقابل از برجام خارج و تعهدات خود را نقض کند اما این امر صورت نگرفت. با توجه به فضای ایجاد شده پس از توافق هسته‌ای یعنی شکسته شدن اجماع بین‌المللی علیه ایران و خروج از فصل هفتم سازمان ملل در یک راهبردی خردمندانه به دور از رفتارهای هیجانی و افراطی مبتنی بر الگوی محافظه‌کارانه مدل تصمیم‌گیری فزاینده و سیاست چندجانبه‌گرایی اقدامات و فشارهای آمریکا را خنثی و منافع خود را به حداکثر ممکن برساند. در این راستا راهبرد ایران در وضعیت ایجاد شده پس از خروج آمریکا از توافق در دو محور حقوقی و سیاسی قابل تبیین است در رویکرد حقوقی براساس بند ۳۶ و ۳۷ برجام چنانچه ایران معتقد باشد که هر یک یا کلیه اعضای گروه ۵+۱ تعهدات خود را طبق این برجام رعایت ننموده‌اند، ایران می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید؛ به همین ترتیب، چنانچه هر یک از اعضای گروه ۵+۱ معتقد باشد که ایران تعهدات خود را طبق برجام رعایت نکرده است، هر یک از دولت‌های گروه ۵+۱ می‌تواند اقدام مشابه بعمل آورد. همچنین براساس بند ۲۶ برنامه اقدام مشترک برخی تعهدات خود را بصورت تدریجی متوقف و کاهش داد بر این اساس تعهدات هسته‌ای در پنج مرحله به منظور ایجاد فضا برای تشویق اعضای باقی مانده در برجام، در فرصت‌های دوماه‌ای که به سایر

اعضای باقی مانده در برجام داد تا در این مدت در گفتگوها منافع ایران تأمین شود که در این صورت گام‌های ایران بازگشت بپذیرد، رویکرد حقوقی دیگر ایران شکایت از ایالات متحده آمریکا پس از خروج از برجام و اعمال تحریم‌های مجدد در دادگاه بین‌المللی لاهه به موجب نقض معاهده مودت ۱۹۵۵ که اقدامات صورت گرفته مغایر با تعهدات متعدد آن دولت از جمله تعهد به رفتار عادلانه و منصفانه با اتباع و شرکت‌های ایرانی، عدم ایجاد محدودیت بر پرداخت و نقل و انتقالات مالی و بانکی، آزادی واردات، صادرات و حمل‌ونقل کالا و آزادی تجارت و کشتیرانی است.

بخش دوم راهبرد ایران پس از خروج آمریکا از توافق‌نامه را می‌توان در رویکردهای سیاسی-دیپلماتیک مشاهده نمود با توجه به فضای ایجاد شده پس از توافق ایران تلاش نمود گستره روابط خارجی خود را از حالت دوقطبی شرق و غرب خارج کند. از این رو یکی از ویژگی‌های اصلی در سیاست خارجی ایران تلاش مداوم برای ایجاد توازن بین قدرت‌های بزرگ و یا همکاری با یکی یا گروهی از کشورهای قدرتمند به منظور ایجاد وابستگی متقابل و همچنین کاهش فشار و ایجاد موازنه با ایالات متحده آمریکا بوده است. یکی از این دسته کشورها اتحادیه اروپا قرار داشت اروپا همواره برای ایران از منظر سیاسی و اقتصادی به خصوص به منظور رشد و توسعه اقتصادی و ورود به اقتصاد جهانی جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر با توجه به مخالفت و انتقاد اروپا نسبت به خروج آمریکا از توافق‌نامه یکی از اهداف دیگر در راستای گسترش روابط با اتحادیه اروپا جلوگیری از اجماع دوباره و انزوای دیپلماتیک قرار داشت که در گذشته در این امر اروپا همواره با آمریکا همراه بوده است هرچند رابطه آمریکا با اتحادیه اروپایی همیشه در یک مسیر صاف و شفاف قرار نداشته و گاهی ما شاهد اختلافات و رقابت‌های زیادی بین آنها بوده‌ایم اما در نهایت اروپا به منظور جلوگیری از پیامدهای تنبیهی آمریکا و حفظ منافع خود به دلیل در هم تنیدگی و وابستگی متقابل هیچ‌گاه نتوانست در مقابل آمریکا رویکرد و سیاست خارجی مستقلی اتخاذ کند. رویکرد بعدی جمهوری اسلامی ایران در راستای اقدامات سیاسی و دیپلماتیک قرار می‌گیرد. ایران بواسطه مسئله پرونده هسته‌ای همواره در انزوای سیاسی و شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار داشته و ایالات متحده با دست‌آویز قرار دادن مسئله صلح و امنیت جهانی و معرفی ایران بعنوان یک تهدید بین‌المللی ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل اجماع جهانی ایجاد کند بگونه‌ای که توانسته بود رقبای خود یعنی چین و روسیه را در فشار حداکثری و تحریم اقتصادی در برابر ایران را با خود همراه کند اما یکی از آثار و پیامدهای برجام شکست اجماع جهانی و خروج ایران از ذیل فصل شش و هفت منشور سازمان ملل و فضای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران فروریخت بگونه‌ای که ایران-هراسی را متوقف و ایران را در فضای بین‌المللی، بازیگری تعامل‌گرا و صلح‌طلب نشان داد. در این راستا روابط ایران با اتحادیه اروپا و قدرت‌های نوظهور مانند چین و روسیه تحت تأثیر تحریم‌ها و سیاست‌های آمریکا بوده است و هیچگاه سطح روابط راهبردی و چندبعدی نبوده بر این اساس چین در حال تبدیل شدن به یک

ابرقدرت اقتصادی است. از آن طرف هم نمی‌توان توانایی‌های نظامی و امنیتی روسیه، همکاری‌های پکن و مسکو با تهران را در بسیاری از پرونده‌های امنیتی، نظامی و دیپلماتیک منطقه‌ای و نیز حمایت سیاسی مسکو و پکن با رأی وتوی خود در شورای امنیت را نادیده گرفت. در این راستا آثار و پیامدهای توافق‌نامه برجام شرایطی ایجاد نمود که تعامل با این کشورها تسهیل گردد. در نتیجه ایران حتی بعد از خروج آمریکا از برجام از این فرصت به‌دست‌آمده چشم‌پوشی نکرده و تلاش نموده در قالب قراردادهای استراتژیک بلندمدت ۲۵ ساله با چین و ۲۰ ساله با روسیه و در آینده با سایر کشورها از جمله هند به منظور خنثی‌سازی اقدامات و سیاست‌های آمریکا پس از خروج روابط خود را با قدرت‌های نوظهور درهم‌تنیده کند و در پی آن تأمین حداکثری منافع است و جدیت خود را در توسعه روابط استراتژیک نشان دهد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ایمانی، همت و دیگران (۱۳۹۷)، «رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۲.
- ۲- بی‌نا (۱۴۰۰)، «بسیست و دومین گزارش سه‌ماهه اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به مجلس شورای اسلامی»، قابل دسترسی در: <https://www.mfa.gov.ir>
- ۳- خوشوقت، محمدحسین (۱۳۷۵)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، چ ۱، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۴- دل‌خوش، علیرضا (۱۳۹۶)، «برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۳۱، ش ۲.
- ۵- رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۵، ش ۱۵.
- ۶- عباسی، ابراهیم و صالحی، سیدجواد (۱۳۹۵)، «دیپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، س ۷، ش ۱.
- ۷- مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۸)، «گزارش کشوری سال ۲۰۱۸ شاخص تغییر بنیاد برتلسمان استیفتونگ در مورد ایران»، گزارش ۲۰۱-۹۸.

لاتین:

- 8- Arif Khan & Nargis Zaman (2018). "Trump Policy Towards Iran: Challenges and Implications", *Pakistan Journal of Humanities & Social Science Research Volume*, No. 01, Issue No. 01.
- 9- Cyril, Melissa and others (2021). The INSTC includes 13 countries and will transform Euro-Asian freight dynamics, Russia Briefing, <https://www.russia-briefing.com>
- 10- Dettoni, Jacopo (2014). Russia and Iran Lock NATO Out of Caspian Sea, <https://thediplomat.com>.
- 11- Dror, Yehezkel (1996). *Public Policy Making Reexamined*, Chandler Publishing Company, San Francisco.
- 12- Ellis, Chris (2021). New Iran-EAEU FTA Will Usher in An Era of Increased Trade with Russia, India, and the Caspian Nations, Russia Briefing, <https://www.russia-briefing.com>.
- 13- Green, Will and Roth, Taylor (2021). China-Iran Relations: A Limited but Enduring Strategic Partnership, U.S. China economic relations and their implications for U.S. security, as mandated by Public Law 106-398 and Public Law 113-291.
- 14- Iran Nuclear Deal Oversight: Implementation and its Consequences (2016), Hearing before US House Committee on Foreign Affairs, 114th Cong. 20-26.
- 15- Julia, Masterson (2021). Iran Agrees to Extend Inspections of Nuclear Sites, <https://www.armscontrol.org>.
- 16- Kali, Robinson (2021). What Is the Iran Nuclear Deal?, Council on Foreign Relations, <https://www.cfr.org>.
- 17- Lindblom, Charles E (1968). *The policy making process*, N.Y.: Englewood Cliffs, prentice-Hall.
- 18- Mortlock, David and Nikki M. Cornin (2018). A Road Map of the Re-Imposed Sanctions for Iran, Economic sanctions initiative.
- 19- NIAC, the National Iranian American Council (2020). Iranian Parliament Bill on Nuclear Program: Full Text in English, <https://www.niacouncil.org>.
- 20- Padoa, Tommaso (2006). Issues related to Central Counterparty Clearing Dinner European Central Bank (Eurotower) Conference room CIV, 2nd floor Kaiserstrasse 29 D-60311 Frankfurt am Main.
- 21- Patricia, Zeng (2016). Extension of Iran Sanctions Act passes U.S. Congress, <https://www.reuters.com>.
- 22- Rosenau, James (1984). "Pre -Theory Revisited. World politics in an era of cascading interdependence". *International studies Quarterly*.
- 23- Simon, Herbert (1960). *Administrative Behavior: A Study of Decision-Making Processes in Administrative Organization*, 2nd end. N. Y: Macmillan, 1957 and The New

- Science of Management Decision. N. Y: harper SNSC in a statement addressing nuclear deal parties: Iran stops some of its measures under JCPOA, <https://president.ir>.
- 24- The White House Office of the Press Secretary (2018). Remarks by President Trump on the Joint Comprehensive Plan of Action, <https://trumpwhitehouse.archives.gov>.
- 25- The White House Office of the Press Secretary (2017). Notice - Continuation of the National Emergency with Respect to Iran <https://obamawhitehouse.archives.gov>.
- 26- Vatanka, Alex (2020). Iran and Russia: A tale of unfulfilled economic potential, <https://www.mei.edu/publications/iran-and-russia-tale-unfulfilled-economic-potential>
- 27- Wiseman, G. (2011). *Norms and Diplomacy: The Diplomatic Underpinnings of Multilateralism, the New Dynamics of Multilateralism*, Boulder CO: Westview Press.
- 28- Yacoubian, Alex (2021). Iran's Increasing Reliance on China, The Iran Primer: Power, Politics and U.S. Policy, <https://iranprimer.usip.org/blog/2020/oct/06/last-among-equals-iran-china-relations>
- 29- Yadegarian, F. (2019). Iran's Countermeasures to US Withdrawal from JCPOA and the Trigger Mechanism. *Iranian Review for UN Studies*, 2(2), 89-110. doi: 10.22034/iruns.2019.121932